در گفت‌وگو با حمیدرضا جلایی‌پور مطرح شد

نه کارکرد احزاب را می‌دانیم و نه می‌خواهیم بدانیم

طرح نو - امیر توحید فاضل |نگاه به کارکرد احزاب از دیدگاه کسانی که خود در گیر کار تشکیلاتی بوده و هستند، ضمن این‌که ضروری است، اما اشکالی هم می‌تواند داشته باشد و افرادی که کار حزبی کرده باشند، شاید نخواهند این اشکالات را قبول کنند، پس نظرات او را با تأمل و دقت بیشتری باید مطالعه کرد. موضوع گفت‌وگوی «شهروند» با جلایی‌پور درباره ناکارآمدی احزاب سیاسی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی است.

• جامعه ایران دارای ویژگی‌هایی است که خاص ایران بوده و شاید در کمتر کشوری بتوان این خصوصیات را مشاهده کرد. در کنار این ویژگی‌ها با مسائلی نیز روبه‌رو است که در دیگر کشورها نیز کم و بیش آنها را می‌بینیم. از جمله این مسائل می‌توان به آسیب‌ها و معضلات اجتماعی اشاره کرد. در نظام‌های سیاسی مدرن برای مقابله با تهدیدها و آسیب‌ها، ابزارهای مختلفی را به‌کار می‌گیرند که یکی از آنها احزاب و تشکل‌های سیاسی هستند که قابلیت بسیج توده‌های مردم را دارند. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا فعالان حزبی ما و تشکل‌های سیاسی نگاهی منطقی و نزدیک به واقعیت به مسائل و آسیب‌های اجتماعی دارند، تا بتوان از آنها انتظار تلاش در جهت رفع یا حداقل تقلیل این معضلات را داشت.

بیینید یکی از ویژگی‌های جامعه مدرن، تمایزیابی نقش‌ها و وظایف میان سازمان‌ها و نهادهای نظام اجتماعی است. کار حزب، تسهیل درمشارکت سیاسی است نه ورود عملی به آسیب‌های اجتماعی. اصلا احزاب برای این کار ساخته نشده‌اند. مهار آسیب‌ها کار سازمان‌های تأمین اجتماعی و سمن‌های خیریه‌ای است. البته برنامه‌هایی که احزاب هنگام انتخابات به مردم ارایه می‌کنند باید به سیاست‌های خود برای مهار آسیب‌ها تأکید کنند.

اما شما توجه داشته باشید در رابطه با آسیب‌های اجتماعی ما یک مشکل بنیادی‌تر داریم که باید به آن پرداخت. ارکان مختلف حاکمیت در ایران و همچنین احزاب و فعالان سیاسی ما با یک موضوعی روبه‌رو هستند که این موضوع برای آنها مشکلاتی را ایجاد کرده و به همین دلیل نمی‌توانند توجه جدی و تاثیرگذار در حوزه آسیب‌های اجتماعی داشته باشند.

بیینید! فرآیند تحقق و حفظ و تداوم و تثبیت انقلاب و نظام به‌وسیله ایثار و فداکاری و شهادت مردم انجام شده و همواره با این ارزش‌ها همراه بوده است اما عده‌ای از این ایثارگری غلط نتیجه می‌گیرند. یک عده فکر می‌کنند چون ایثار شده پس آنچه در نظام و جامعه داریم همه مقدس و ارزشمند است. لذا اگر شما درباره آسیب‌های اجتماعی بحثی جدی بکنید می‌گویند سیاهنمایی نکنید. به بیان دیگر، این از ارزش در انگیزه‌هاست که آسیب‌نداشتن در جامعه و پرش کردن باعث شده به‌طور جدی آسیب ببینیم و علل آن هم بررسی نشود.

عده‌ای که در جامعه سیاسی قدرت هم دارند، تصور می‌کنند که چون انقلاب و نظام در شرایطی ارزشی و ایثار بالیده لذا گویی همه‌چیز باید اخلاقی، دینی و خوب دیده شود، پس علاقه ندارند آسیب‌های اجتماعی و فساد را ببینند و بیشتر توطئه‌ها و فساد جوامع دیگر را می‌بینند. به همین دلیل توجه به آسیب‌های اجتماعی ضعیف شده و قبول نمی‌شود که جامعه و ایران نیز مانند همه جوامع، با ضعف و قوت‌هایی روبه‌رو است و ما نیز مانند دیگران با آسیب‌های اجتماعی، یک یک لحظه نمی‌توان از آن غفلت کرد، روبه‌رو هستیم.

بنابراین ارزش‌گرایی ناجیای ما مانع از واقع‌گرایی در زمینه آسیب‌های اجتماعی شده است. این فقدان واقع‌گرایی و واقع‌بینی را هم در حاکمیت شاهد هستیم و هم در تشکل‌های سیاسی خصوصا در میان اصولگرایان. در شرایطی که اگر واقع‌گرایی وجود نداشته باشد، مانند دولت‌های نهم و دهم اساسا آسیب‌های اجتماعی نه‌تنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه انکار هم می‌شود و از آن طرف اندازه آسیب‌ها در جامعه بیشتر می‌شود.

• چرا معتقدید در ایران با چنین شرایطی روبه‌رو هستیم؟

بیینید، توصیف و تبیین آسیب‌ها جدی تلقی نمی‌شود. مثلا این‌که آمار و ارقام دقیق مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی که گریبانگیر جامعه شده و به میلیون‌ها نفر درد و رنج وارد می‌کند، یا توسط سازمان‌های رسمی اعلام نمی‌شود یا با اختلاف و تضاد آماری مطرح می‌شود. به‌عنوان مثال، بر سر آمار بیکاری مزمن به‌عنوان مهم‌ترین معضل، اختلاف هست. دستگاه‌های رسمی رقم بیکاری را از ۳ تا ۷میلیون نفر معرفی می‌کنند. یا در زمینه معضل اعتیاد گفته می‌شود بین یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۳میلیون و ۷۰۰هزار نفر معتاد در جامعه داریم.

بیینید، سر مهم‌ترین معضل ما چقدر تفاوت در اندازه وجود دارد! اختلاف در اندازه باید صدهزار نفر باشد نه میلیون‌ها نفر. شما فکر می‌کنید ایران قادر نیست بتواند حدود واقعی آسیب‌هایش را بشناسد. چرا قادر است ولی همان‌طور که گفتم، موانعی هست که این معضلات جدی تلقی نمی‌شود. البته باید منصف بود چون خوشبختانه در یکسال اخیر این روند تا حدودی ترمیم شده است. الان تغییرات نرخ‌تورم، رشد و سرمایه‌گذاری بهتر اعلام می‌شود و پاره‌ای از آسیب‌ها توسط وزارت کشور و وزارت بهداشت دقیق‌تر اعلام می‌شود. دیدید که وقتی اثرات مخرب روغن پالم و بنزین‌ها اعلام شد، بعد هم کنترل شد.

• آیا مسئولان ما دنبال انکار آسیب‌های اجتماعی هستند، یا این‌که می‌خواهند در شرایط آرام و دور از تنش، برای رفع آنها برنامه‌ریزی کنند؟

به‌نظر من دولت چنین قصدی دارد و این خوب است. ولی شناخت واقعیت آسیب‌های اجتماعی را باید در عرصه عمومی جدی گرفت. مهار آسیب‌ها فقط کار دولت نیست. دولت و سایر ارکان و قوای حکومت و نهادهای مدنی و خیریه‌ها و شهروندان همه باید دست به دست هم بدهند تا مقداری جلو برویم. زمانی وضع آلودگی هوا هم اعلام نمی‌شد. الان به‌دقت اعلام می‌شود، این گام مهمی است. اگر آمار دقیق این آسیب‌ها در دسترس همه از جمله کارشناسان نباشد، نمی‌شود درست آنها را مهار کرد.

• در برنامه‌های سیاسی صداوسیما یکی از خصیصه‌های مثبتی که برای یک فرد به‌طور مرتب مطرح می‌شود، این است که به هیچ حزب و گروهی وابسته نیست، مثل این‌که کار در احزاب یک کار غیراخلاقی است. در صورتی که کار در احزاب یک کار غیراخلاقی است. در صورتی که کار در احزاب بهداشتی‌ترین نوع مشارکت سیاسی است که هم شهروندان را به کار سیاسی حرفه‌ای تبدیل می‌کند و هم جامعه‌سیاسی را تداوم‌ور و قابل پیش‌بینی‌تر می‌کند.

• در رابطه با آسیب‌های اجتماعی ما یک مشکل بنیادی‌تر داریم که باید به آن پرداخت. ارکان مختلف حاکمیت در ایران و همچنین احزاب و فعالان سیاسی ما با یک موضوعی روبه‌رو هستند که این موضوع برای آنها مشکلاتی را ایجاد کرده و به همین دلیل نمی‌توانند توجه جدی و تاثیرگذار در حوزه آسیب‌های اجتماعی داشته‌باشند.

موظف، مشکلات اجتماعی را پیگیری می‌کنند باید مسائل در حوزه عمومی طرح و درباره آن بحث و گفت‌وگو کرد تا در پرتوی این بحث‌ها زمینه مشارکت همه نیروهای جامعه برای مهار آسیب‌ها فراهم شود.

• نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی چیست و اساسا آیا احزاب ما برنامه‌ای در این زمینه دارند؟

گفتم این بحث فراتر از احزاب و تشکل‌های سیاسی است. به نظر من، تشکل‌های اصلاح‌طلب به این موضوعات توجه کرده و در برنامه‌های انتخاباتی دیدگاه‌های خود را اعلام می‌کنند. مثل برنامه‌ای که آقای هاشمی در انتخابات ۹۲ مطرح و بر معضلات اجتماعی تمرکز کرد. بعد از سوی ستاد آقای روحانی هم این برنامه‌ها اعلام شد. اما تشکل‌های اصولگرا در این زمینه‌ها پیش نمی‌روند و طرح معضلات اجتماعی را بیشتر سیاهنمایی می‌دانند. آنها معتقدند که درباره این‌گونه موضوعات باید آرام و درگوشی حرف زد.

• به‌رغم این دیدگاه، برخی معتقدند که هیچ‌یک از احزاب ما در این حوزه‌ها برنامه جدی نداشته و ندارند و این مشکل تنها مختص به احزاب اصولگرا نیست. دلیل آنها این است که ما احزاب جدی نداریم و کار حزبی نکرده‌ایم.

گفتم قصه جدی‌تر از این حرف‌هاست. من دیدگاه افرادی که می‌گویند ایرانی‌ها نمی‌توانند کار حزبی کنند را قبول ندارم. بلکه همان‌طور که جامعه ایران در حوزه‌های مختلف علمی، صنعتی، نظامی و هنری توانایی‌هایی دارد، می‌تواند تشکل‌های سیاسی را در سطح احزاب قوی داشته باشد تا برای معضلات جامعه هم برنامه‌های خود را اعلام کنند.

چرا می‌توانیم پیشرفته‌ترین جراحی‌ها را در داخل انجام دهیم، اما بلد نباشیم حزب درست کنیم؟ اگر احزاب ما عملکرد تاثیرگذاری ندارند، دلیلش این نیست که توانایی ندارند. علت اصلی این است که در کشور ما به‌طور جدی اعتقادی به حزب و حزب‌گرایی وجود ندارد و گرنه در جامعه توانایی آن هست.

بیینید، در برنامه‌های سیاسی صداوسیما یکی از خصیصه‌های مثبتی که برای یک فرد به‌طور مرتب مطرح می‌شود، این است که به هیچ حزب و گروهی وابسته نیست، مثل این‌که کار در احزاب یک کار غیراخلاقی است. در صورتی که کار در احزاب بهداشتی‌ترین نوع مشارکت سیاسی است که هم شهروندان را به کار سیاسی حرفه‌ای تبدیل می‌کند و هم جامعه سیاسی را تداوم‌ور و قابل پیش‌بینی‌تر می‌کند.

• پس چرا برخی از کارشناسان می‌گویند، احزاب ما توانایی جلب مشارکت عمومی را نداشته و هیچ برنامه‌ای هم برای رفع معضلات اجتماعی ندارند؟

مثلا باید چه کاری انجام دهند؟

• به عنوان نمونه ما تاکنون ندیده‌ایم که برای مقابله با یک معضل و آسیب اجتماعی احزاب برنامه‌ای ارایه داده باشند. حتی در حوزه جلب مشارکت‌های مردمی در حوزه‌های اجتماعی مانند حمایت از نیازمندان یا امدادرسانی در یک حادثه عمومی مانند زلزله بم احزاب ما فعالیتی نداشتند.

گفتم کارکرد احزاب این نیست که بخواهند مانند تشکل‌های خیریه‌ای با تأمین اجتماعی عمل کنند. احزاب، سازمانی است که وظیفه جهت‌دهی به آرای شهروندان را دارد و نه مشارکت در اموری مانند امدادرسانی. احزاب باید در برنامه‌های انتخاباتی خود سیاست‌ها و موضع‌شان را در نحوه مهار آسیب‌ها روشن کنند.

• احزابی که وظیفه جهت‌دهی به آرای مردم را دارند، آیا خودشان نباید در حوزه مقابله با آسیب‌های اجتماعی نظریه‌ای داشته و براساس آن عمل کنند؟

نظریه هم جایش در دانشگاه و مراکز و مجلات تحقیقاتی و در حوزه عمومی است. احزاب باید در بررسی معضلات جامعه از نظریات روشنگر استفاده کنند نه لزوما نظریه‌پردازی کنند. احزاب اصلاح‌طلب حداقل در دوره اصلاحات این کار را کردند. اگر برخوردی که با فعالان سیاسی و تشکل‌های سیاسی که در ایران می‌شود در یک کشور پیشرفته مانند آلمان انجام می‌شد، آن فعالان کار سیاسی یادشان می‌رفت. با این شرایط و درحالی‌که حکومت نگاه مثبتی به فعالیت حزبی ندارد به همین اندازه هم که کار حزبی می‌شود باید دعا کرد. خلاصه اگر احزاب ما به‌طور کامل به وظایف حزبی خود عمل نمی‌کنند، اشکال اصلی از آنها نیست و نمی‌توانیم احزاب و تشکل‌های سیاسی را ضعیف بدانیم، بلکه شرایط سیاسی برای آنها مهیا نشده است.

> • شناخت واقعیت آسیب‌های اجتماعی را باید در عرصه عمومی جدی گرفت. مهار آسیب‌ها فقط کار دولت نیست. دولت و سایر ارکان و قوای حکومت و نهادهای مدنی و خیریه‌ها و شهروندان همه باید دست به دست هم بدهند تا مقداری جلو برویم. زمانی وضع آلودگی هوا هم اعلام نمی‌شد. الان به‌دقت اعلام می‌شود، این گام مهمی است. اگر آمار دقیق این آسیب‌ها در دسترس همه از جمله کارشناسان نباشد، نمی‌شود درست آنها را مهار کرد.
>
> • در برنامه‌های سیاسی صداوسیما یکی از خصیصه‌های مثبتی که برای یک فرد به‌طور مرتب مطرح می‌شود، این است که به هیچ حزب و گروهی وابسته نیست، مثل این‌که کار در احزاب یک کار غیراخلاقی است. در صورتی که کار در احزاب بهداشتی‌ترین نوع مشارکت سیاسی است که هم شهروندان را به کار سیاسی حرفه‌ای تبدیل می‌کند و هم جامعه‌سیاسی را تداوم‌ور و قابل پیش‌بینی‌تر می‌کند.
>
> • در رابطه با آسیب‌های اجتماعی ما یک مشکل بنیادی‌تر داریم که باید به آن پرداخت. ارکان مختلف حاکمیت در ایران و همچنین احزاب و فعالان سیاسی ما با یک موضوعی روبه‌رو هستند که این موضوع برای آنها مشکلاتی را ایجاد کرده و به همین دلیل نمی‌توانند توجه جدی و تاثیرگذار در حوزه آسیب‌های اجتماعی داشته‌باشند.

ادامه از صفحه ۹

جوانان «شام» می‌خواهند

• همین‌جا کمی مکث کنیم و از این زاویه معضل بیکاری را مورد توجه قرار دهیم. سوال این است که تأثیر بیکاری بر نخستین نهاد اجتماعی یعنی خانواده چگونه است؟

تحلیل تاثیرگذاری بیکاری بر جامعه به‌ویژه نهاد خانواده موضوع خیلی پیچیده‌ای نیست. بحث از این نقطه آغاز می‌شود که وقتی قرار است نهاد خانواده به‌عنوان جامعه‌ای کوچک یا نخستین جزء اجتماعی شکل بگیرد باید مقدماتی وجود داشته باشد. این موضوع با مثالی ساده قابل بیان است. فرض کنید جوانی می‌خواهد تشکیل خانواده دهد. او برای این کار باید به خواستگاری برود. در جلسه خواستگاری اولین سوالی که از این جوان طالب تشکیل خانواده پرسیده می‌شود این است که «شغلت چیست؟» قاعده این است که وقتی جوان پاسخ منفی به این سوال بدهد، ازدواجی صورت نگیرد. خانواده دختر حق دارند با چنین ازدواجی مخالفت کنند. آنها نمی‌توانند دخترشان را به عقد کسی درآورند که معلوم نیست از چه راهی می‌خواهد هزینه‌های تشکیل و اداره زندگی را تقبل کند. در شرایط عقلانی، کسی دختر خود را به سوی سرنوشت نامعلوم و غیرقابل تحلیل سوق نمی‌دهد. بنابراین در شرایط شیوع بیکاری، یا ازدواج صورت نمی‌گیرد یا ازدواج در سنین بالا انجام می‌شود.

• احتمالا در این شرایط جو جامعه به هم خواهد خورد و مشکلات یکی پس از دیگری گریبان جامعه را می‌گیرد؟

قطعا همین‌طور است. وقتی ازدواج در سنین بالا انجام شود یا اصلا انجام نشود، بسیاری از ناهنجاری‌ها به وجود خواهد آمد. از افسردگی در اثر بیکاری بگیرید تا رواج انواع و اقسام مفاسد اجتماعی؟ اینها پیامدهای بیکاری است و دهها ناهنجاری دیگر هم در جامعه شایع خواهد شد. جوان بیکار (یا هر فرد در هر سنی که بیکار باشد) غیر از این که سرمایه از دست رفته اجتماعی است، باید به نوعی برای خود مشغله ایجاد کند. آن عده که افسرده و گوشه‌گیر می‌شوند که خود معضل به شمار می‌روند اما مابقی بیکاران کمی خواهند فعالیتی از خودنشان دهند، زمینه مساعدتری برای گرفتار شدن در دام انواع و اقسام بزه، خواهند داشت. این تازه آغاز ماجراست و موضوع به همین جا ختم نمی‌شود. پای تحلیل جامعه‌شناسان و کارشناسان امر که بنشینید خواهید فهمید بیکاری چه ظرفیتی برای ایجاد ناهنجاری دارد.

> **آمار در کشور ما موضوع مغفولی است. درباره موضوع بیکاری هم وضع به همین منوال است یعنی ما آمار درست و قابل اعتنایی نداریم. از سوی مقامات و نهادهای مسئول گفته می‌شود ۵میلیون بیکار در کشور ما وجود دارد اما من درباره این آمار تردید دارم**

• با این توصیفاتی که ارایه کردید باید راه‌حل‌هایی هم برای این پدیده وجود داشته باشد. اما قبل از هر چیز باید از جمعیت بیکاران باخبر باشیم. نخست درباره آمار بیکاران صحبت کنید تا پس از آن، درباره برنامه‌های حزبی بحث کنیم.

آمار در کشور ما موضوع مغفولی است. درباره موضوع بیکاری هم وضع به همین منوال است یعنی ما آمار درست و قابل اعتنایی نداریم. از سوی مقامات و نهادهای مسئول گفته می‌شود ۵میلیون بیکار در کشور ما وجود دارد اما من درباره این آمار تردید دارم. علت این است طبق تعریفی که برای شاغل در آمارگیری وجود دارد، دانشجویان، محصلان، سربازان و هر فردی که در هفته یک ساعت کار انجام داده باشد، شاغل حساب می‌شود اما همه می‌دانیم که اینها شغل به حساب نمی‌آید نه‌تنها اینها که بسیاری از کارهای دیگر، مانند مشاغل فصلی، شغل پایدار نیست اما در آمار به حساب می‌آید. با این توضیح آمار بیکاری در ایران بسیار بیشتر از ۳میلیون نفری است که اعلام می‌شود اگر قرار بر برنامه‌ریزی است باید برنامه‌ای با جامعه هدف بزرگ‌تر در نظر داشته باشیم.

• شما دبیر کل حزب مردم‌سالاری هستید. حزب شما برای حل معضلات اجتماعی چه برنامه‌هایی دارد؟

زمانی که من در مجلس هشتم نماینده مردم سمنان بودم، در یکی از نطق‌های پیش از دستور گفتم: جوانان ما «شام» می‌خواهند! وقتی این موضوع را مطرح کردم برای بسیاری این سوال پیش آمده بود که معنی این حرف چیست؟ همان موقع در توضیح حرفم گفتم: شام مخفف شغل، ازدواج و مسکن است. به نظرم اگر برای جوانان ما این سه موضوع حل شود، بسیاری از معضلات اجتماعی حل خواهد شد. حزب مردم‌سالاری هم درباره این موضوع کار زیادی انجام داده است، ما در دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برنامه‌ای ارایه کرده بودیم که عنوان «۵۰ گل نشکفته» را برای آن به کار برده بودیم. این ۵۰ گل نشکفته نام ۵۰ برنامه بود که در زمینه‌های مختلف اعم از اقتصادی فرهنگی اجتماعی و سیاسی ارایه کرده بودیم. از این ۵۰ عنوان، ۸برنامه مختص معضلات اجتماعی است که به صورت مفصل در سایت حزب، آمده است.

• این برنامه‌ها خوب است اما باید مردم هم برای اجرای برنامه‌های ارایه شده پای کار باشند. مردم را چطور برای اجرای این برنامه‌های بسیج کنیم؟

در این زمینه دولت‌ها باید نقش اصلی را به دست بگیرند. دولت‌ها باید تسهیلاتی فراهم کنند که مردم برای حضور و مشارکت در اجرای برنامه‌های ارایه شده، راغب باشند.

• در دنیا معمولا سندیکاها و احزاب نقش بسیج عمومی مردم را بر عهده دارند اما احزاب در کشور نمی‌توانند نقش بسیج‌گر داشته باشند. علت چیست؟

این که احزاب در کشور ما توان بسیج عمومی را ندارند قابل کتمان نیست اما در نهایت معتقدم باز هم دولت در این زمینه نقش داشته و دارد. به این معنا که ما موانعی بر سر راه رشد احزاب و فعالیت مطلوب آنها داریم و نقش دولت از همه بیشتر است. این که ما احزاب ضعیفی داریم، ۳۰درصد علت فرهنگی دارد، ۲۰درصد خود احزاب مقصرند و ۵۰درصد حاکمیت و ارکان دولت نقش دارند. اگر همه این بخش‌ها نقش خود را به خوبی ایفا کنند موانع پیش روی کار حزبی، رفع خواهد شد و توان بسیج‌گری در آنها تقویت می‌شود.

ادامه از صفحه ۹

احزاب در زمینه اجتماعی کاری از پیش نمی‌برند

• شما به‌عنوان یک فعال حزبی بارها در انتخابات مختلف نامزد شده یا کاندیداهایی را به مردم معرفی کرده‌اید، حال چگونه می‌گویید برای رفع مشکلات و کاستی‌های کشور به‌ویژه در حوزه اجتماعی کاری از این احزاب برنمی‌آید. شما حداقل باید برنامه‌ها و اهداف خود را به‌صورت مکتوب تدوین کرده و زمانی که در انتخابات مختلف، از مردم رأی اعتماد گرفته یا می‌گیرید، این برنامه‌ها را اجرا کنید. آیا مردم از احزاب انتظاری به غیر از این دارند یا اساسا مگر کارکرد دیگری برای احزاب تصور شده است؟

من واقعیت را بیان می‌کنم. تمام برنامه‌ها و اهداف ما در قالب بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها بیان شده و غیر از این کار دیگری انجام نداده‌ایم.

• حداقل تئوری‌پردازی می‌کردید. این کار که نیازبه بودجه نداشت.

تئوری‌پردازی کرده‌ایم. اکثر بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها و تحلیل‌های مختلفی که داشته‌ایم در این راستاست.

• با این شرایط تصور می‌کنید، حزب شما می‌تواند در فرآیندی مانند انتخابات، اقشار مختلف مردمی را به یک باور مشترک رسانده و مشارکت آنها برای برخورد با معضلات اجتماعی را جلب کند؟

با این شرایط آن گونه که مطلوب ماست، محقق نشده و با توان و تمکن مالی که داریم، نمی‌توانیم امیدوار به جلب مشارکت عمومی باشیم.

• عملکرد احزاب دیگر، حتی حزب‌هایی که از حمایت مالی مطلوب و گسترده‌ای برخوردار هستند، چنین توانی ندارند.

دلیل ما روشن است و من واقعیت را گفتم. حال باید از احزابی که از تمکن مالی خوبی برخوردارند بپرسید که چرا در این راه موفق نبوده‌اند.